

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

خلاصه بحث تا اینجا این شد که مرحوم صاحب جواهر و مرحوم شیخ اعظم انصاری (قدس سرهما) و جمعی از قداما، در بحث ابوال طاهره بحث را مبتنی فرمودند بر اینکه آیا ابوال طاهره جواز شرب دارد یا ندارد؟ اگر بگوییم جواز شرب دارد بیع و معامله روی اینها صحیح است، و اگر بگوییم جواز شرب ندارد در جواز بیعش تامل است، و لو اینکه نظر بزرگانی مثل مرحوم امام و مرحوم آقای خویی این است که بحث را نباید بر مسئله جواز شرب و عدم جواز شرب مبتنی کرد، بلکه بحث را باید ببریم روی اینکه آیا منفعت محلّه عقلائیّه دارد یا نه؟ که به بررسی نظر این بزرگان هم می رسیم.

اقوال در جواز شرب ابوال طاهره

اما مناسب است در اینجا بحث استدلالی کنیم در اینکه آیا بول ابل که حیوان مأكول اللحم است و مشهور هم قائلند به اینکه ابوال حیوان مأكول اللحم طاهر است آیا جواز شرب دارد یا ندارد؟ اینجا فقها اقوال متعدد دارند، مرحوم سید مرتضی در انتصار و ابن جنید، که اینها از قداما هستند و ابن ادریس در سرائر، مرحوم محقق در کتاب نافع، مرحوم فاضل آبی در کشف الرموز، مرحوم محقق سبزواری در کفایه الاحکام، که اینها از متاخرین هستند، شرب ابوال طاهره را جایز می دانند. اما مرحوم محقق در کتاب مختصر النافع قائل به جواز ولی در کتاب شرائع قائل به عدم جوازند، و نیز مرحوم علامه در کتاب مختلف و مرحوم شهید اول در کتاب دروس قائلند به اینکه شرب ابوال طاهره جایز نیست الا برای مداوی و معالجه، اما اختیارا شرب این ابوال را جایز نمی دانند.

ادله اقوال

اجمالا ببینیم دلیل کسانی که شرب را جایز می دانند و دلیل کسانی که جایز نمی دانند چیست؟

ادله قائلین به جواز شرب

آنهایی که جایز می دانند به سه دلیل استدلال کرده اند؛ **دلیل اول: اصالة الحلیة**: ما شک می کنیم که آیا شرب بول جایز است یا نه؟ فرض این است که می گوئیم بول حیوان ماکول اللحم طاهر است، اصل اولی اصالة الحلیة در اینجا وجود دارد که این اصل مادامی دلیل است که دلیل دیگری نداشته باشیم. اگر دلیلی چه موافق و چه مخالف داشته باشیم این اصالة الحلیة قابل تمسک نیست. در اصول خوانده اید «**الاصل دلیل حیث لا دلیل**»، این **لا دلیل** فرق نمی کند که چه موافق با اصل باشد و چه مخالف با اصل. وقتی اماره و دلیل دیگری در کار بود دیگر اصل برای ما هیچ دلیلی ندارد.

دلیل دوم

دلیل دوم: مرحوم سید مرتضی در کتاب انتصار ادعای اجماع امامیه را کرده است. در انتصار عبارتی که سید دارد این است: «و مما یظن قبل التأمل انفراد الامامیه بالقول به تحلیل شرب ابوال ابل» فرموده است از چیزهایی که گمان دارم و تأمل هم نکرده ام انفراد امامیه را به او، یعنی اینکه اصل امامیه به او قائلند و اجماعی بین الامامیه است. مرحوم سید مرتضی معتقدند در اینکه این از متفردات امامیه باشد مقداری تأمل دارم، که آن قول به تحلیل شرب ابوال ابل و هر حیوان مأكول اللحمی است، «**من البهائم اما لتداوی او غیره**» یا برای تداوی یا برای غیر تداوی، بعد در ادامه می فرماید «**والذي يدل علي صحة مذهبا بعد الاجماع**» ایشان بعد از این که مسئله اجماع را مطرح کرده اند مسئله اصالة الحلیة را هم مطرح کرده اند، و سپس فرموده اند «**فان بول ما يأكل لحمه طاهر غیر نجس و کل من قال بطهارته جوز شربه**» بول حیوان مأكول اللحم طاهر است این یک مقدمه، و هر کسی قائل به طهارت است قائل به جواز شرب است، «**و لا احد یذهب الي طهارته و منع شربه**» احادی از فقها را نداریم که قائل به طهارت باشد اما از شرب آن منع کرده باشد.

نقد فرمایش مرحوم سید

مرحوم سید ادعای اجماع کرده است اما نکته ای که وجود دارد این است که ما نمی توانیم به این اجماع تمسک کنیم ولو مرحوم سید به این قطعیت می فرماید، و این ملازمه که «**کل قائل بطهارته جوز شربه**» اینطور نیست که خود این ملازمه مورد اجماع قدما باشد. این اجماعی که سید نقل می کند اجماع منقول است و اجماع منقول برای ما اعتبار و حجیتی ندارد.

دلیل سوم

عمده در باب دلیل سوم است که روایاتی است که در اینجا داریم، که بعضی از آنها را می خوانم. در برخی از این روایات داریم که به صورت مطلق بول حیوان مأكول اللحم را فرموده اند «**لا بأس به**». و بعضی ها تصریح شده به اینکه اگر برای تداوی باشد اشکالی ندارد. لذا باید این روایات را خواند و دید چه نتیجه ای از این روایات گرفته می شود.

برخی از روایات مطلق و بعضی از آنها مقید است، از باب حمل مطلق بر مقید باید بگوئیم که جواز شرب اختصاص به آنجایی دارد که برای تداوی و معالجه است. برای معالجه بعضی از امراض شرب بول ابل و نیز غنم و بقر هم اگر برای تداوی باشد اشکالی ندارد. نکته ای که وجود دارد این است که تداوی غیر از مسئله اضطرار است. در باب اضطرار قاعده کلی داریم و تحقیقاً همه فقها این را قبول دارند که هیچ حرامی نیست الا اینکه در فرض اضطرار بر انسان حلال می شود. اما در مسئله

تداوي، اگر کسی این درد را بتواند تحمل کند اما اگر بول ابل را خورد این مرض از بین می رود، یا داروها منحصر به بول ابل نیست، اگر گفتیم عنوان، عنوان تداوي است که غیر از مسئله اضطراب است، روي عنوان تداوي دیگر مطلقاً جایز می شود، یعنی اضطراب باشد یا نباشد، راه دیگر برای معالجه باشد یا نباشد.

روایات مطلق

این روایات در کتاب أطعمه و أشربه، وسائل الشیعة، چاپ جدید، ج 25، ابواب الأطعمة المباحة، باب 59، باب جواز شرب ابوال ابل و البقر و الغنم، واستشفاء به ابوال و البان اینها، در این باب مرحوم صاحب وسائل هشت روایت ذکر کرده است. ابتدا روایاتی که مطلق است را بخوانیم .

روایت دوم: «عبدالله بن جعفر في قرب الاسناد عن السندي بن محمد عن أبي البختری عن جعفر عن أبيه عن النبي(ص) قال لا بأس ببول ما أكل لحمه» . در این روایت با قطع نظر از اینکه خود قرب الاسناد محل بحث است. عمده بحث روی ابو البختری است، که همان وهب بن وهب است که کذاب معروف است، لذا روایت، روایت ضعیفی است، این از نظر سند روایت. در خود روایت دارد «قال لا بأس ببول ما أكل لحمه» اگر کسی بگوید چون مشهور یا به قول مرحوم سید مرتضی اجماع داریم بر جواز شرب بول حیوان ماکول اللحم، لذا اگر سندش هم ضعیف باشد مشهور به این روایت عمل کرده اند. و متن روایت و دلالت این است «لا بأس ببول ما أكل لحمه» باز مشهور فقها این لا بأس را حمل بر جواز شرب کرده اند، یعنی بول حیوان ماکول اللحم لا بأس به من جهت الشرب، برخی احتمال داده اند که این لا بأس شاید از نظر طهارت و نجاست باشد لا بأس از نظر اینکه طهارت ليس فيه بأس.

نکته ای که می توانیم بگوییم این است که لا بأس اطلاق دارد، اگر سند روایت را با عمل مشهور درست کردیم این لا بأس اطلاق دارد، یعنی هم بر مسئله شرب دلالت دارد و هم بر مسئله طهارت. بعضی از روایات مطلق دیگر هم هست که در کتاب وسائل نیامده، از امام صادق ع این روایت نقل شده است «كل ما أكل لحمه فلا بأس بما يخرج منه» یعنی هر حیوان ماکول اللحمی آنچیزی که از آن حیوان خارج می شود لا بأس به، این هم اطلاق دارد، هم مسئله طهارت را شامل میشود هم مسئله شرب را.

روایات مقید

در مقابل این دو روایت چند روایت مقید داریم، یکی در این حدیث اول، باب 59؛ محمد بن حسن باسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى – که در جای خود خوانده اید که سند شیخ طوسی به محمد بن احمد بن يحيى اشعري ضعیف است – عن أحمد بن حسن عن عمر بن سعيد عن مسعدة بن صدقة – احمد بن حسن مشترک است، عمر بن سعيد مدائنی ثقة است، مسعدة بن صدقة مدائنی است از اجلائی روات است – عن عمار بن موسي ساباتي – که برخی از رجالین عمار بن موسي را توثیق کرده اند، که نجاشی او را توثیق کرده، شیخ طوسی به صورت متعدد و مختلف راجع به عمار صحبت کرده، نظر شیخ طوسی این است که عمار بن موسي روایات متفردي دارد یعنی روایاتی که فقط عمار نقل کرده، و در بین رجالین عمار معروف به مضطرب الحديث هم هست. مرحوم شیخ در کتاب استبصار فرموده اند به روایاتی که عمار به صورت متفرد نقل کرده اعتنایی نداریم، ولو در بعضی از کتاب هایشان فرموده اند عمار اگر چیزی نقل می کند ثقة است اما در متفردات نمی توانیم به او اعتماد کنیم. عمار از امام صادق نقل می کند –

«قال سئل عن بول البقر يشربه الرجل» اگر شخص بول بقر را شرب کند چه صورتی دارد؟ «قال(عليه السلام) إن كان محتاجاً إليه يتداوا به يشربه» اگر به او احتیاج دارد یعنی برای معالجه و دوا می خواهد استفاده کند «يشربه كذلك ابوال ابل والغنم»،

این کذلک معلوم نیست در کلام امام است یا عمار بیان کرده، همان نکته ای که عرض کردم که عمار مضطرب الحدیث است یک نکته آن هم همین است، الان این «کذلک ابوال ابل و الغنم» را عمار بیان کرده یا در کلام امام است این معلوم نیست.

روایت اصلاً ضعیف السند هم هست. بعضی از بزرگان مثل مرحوم خوئی فرموده اند ما بوسیله موثقۀ عمار روایات مطلقه را تقیید می زنیم. این روایت که سندش را ملاحظه فرمودید چند اشکال در آن وجود دارد، هم سند شیخ به محمد بن احمد بن یحیی اشعری ضعیف است، هم احمد بن الحسن مشترک است، هم عمار بن موسی ساباتی متفرد است، مرحوم خوئی تعبیر کرده اند به موثقۀ عمار، اصلاً بزرگانی که نظرشان این است که شرب ابل جایز است للتداوی، می گویند لمفهوم موثقۀ عمار، در حالی که این روایت اشکال سندی دارد.

دلیل دومی که برای تقیید است این روایت است: «محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن بکر بن صالح عن الجعفري - کلمه جعفري را وقتی در روایات نقل می کنند مقصود از جعفري، سلیمان بن جعفر است که ثقة است، در سند این روایت فقط نسبت به بکر بن صالح مقداری محل بحث است - قال سمعت ابي الحسن علي بن موسي بن الجعفر، امام رضا(ع) که فرزند امام موسی بن جعفر(ع) است - ما سه ابي الحسن در روایات داریم یکی امام علی(ع) است یکی امام هشتم(ع) و یکی امام هادی(ع) است - يقول ابوال ابل خیر من البانها» بول ابل از لبن ابل بهتر است. خیر یعنی آثارش و خصوصیاتش بهتر از شیر ابل است، راجع به شیر ابل اوصاف زیادی در روایات داریم. در باب اطعمه و اشربه بسیاری از خوراکیها و نوشیدنیها همه خصوصیاتش در روایات ذکر شده است. «ابوال ابل خیر من البانها و يجعل الله الشفافي البانها». خداوند در البان شفا قرار داده و ابوال خیر من الالبان، پس نتیجه می شود که در ابوال هم شفا وجود دارد. این ذیل روایت که می گوید «يجعل الله الشفا في البانها» قرینه می شود بر اینکه اگر کسی بول ابل را برای معالجه بخورد مانعی ندارد.

فرمایش مرحوم خوئی(ره)

برخی از بزرگان مثل مرحوم آقاي خوئی در کتاب مصباح الفقاهة، ج 1، فرموده این روایت اصلاً در مقام بیان حکم شرعی نیست. در مقام بیان جهت طبی است، که می خواهد از جهت طبی این خصوصیت را ذکر کند. لذا در مقام بیان یک حکم شرعی که ما بخواهیم از آن حکم شرعی استفاده کنیم نیست.

اشکال بر مرحوم خوئی

برخی از فقها اشکال کرده اند به مرحوم آقاي خوئی که مگر امام به عنوان طبیب است، شان امام این نیست که از جهت طبی مطلبی را بیان کند، شان امام بیان احکام شرعیه است. وقتی امام می فرماید «ابوال ابل خیر من البانها» باید بگوییم امام به عنوان مبین شریعت حکم شرعی را بیان فرموده.

اشکال بر مرحوم خوئی

این اشکال، اشکال واردي نیست به دلیل اینکه در این روایت قرینه وجود دارد. در روایت دارد «و يجعل الله الشفاء في البانها». اما عمده این است که مگر جمع بین این دو نمی شود، گاهی امام می خواهد جهت طبی محض را بیان کند، اما گاهی از راه بیان جهت طبی، می خواهد حکم شرعی را بیان کند. اینجا هم همان طور است. می فرماید چون در ابوال ابل شفایی وجود دارد

لذا از این جهت مانعی ندارد.

نتیجه و جمع بندی روایات

ما حالا یک دسته روایات مطلق داریم چند روایت مقید هم داریم . فرض هم این است که به روایات مطلقه مشهور عمل کرده اند، روایات مطلقه در اینجا ضعیف السند است. اینجا فقیه چه باید کند؟ فقیه نمی تواند بگوید پس ما به روایت مطلقه عمل می کنیم و فتوا می دهیم که شرب بول حیوان مأكول اللحم مطلقا جایز است مثل سید مرتضی للتداوی یا غیر تداوی.

وجود این روایات ضعیف السند سبب احتیاط می شود - نکته اجتهادی را خوب دقت کنید. ولو این روایات مقیده، ضعیف السند است اما باید احتیاط کرد. می گوئیم شرب ابوال مأكول اللحم احتیاط این است که برای تداوی جایز است. باز با اضطرار خلط نکنید. اضطرار که آمد هیچ شیئی نیست الا اینکه برای انسان حلال می شود، اما برای تداوی به عنوان احتیاط برای انسان جایز است، اما اگر برای تداوی نبود اینجا دیگر جوازش بر خلاف احتیاط است . پس این نتیجه ای بود که ما در بحث «شرب بول حیوان مأكول اللحم» گرفتیم. این دلیل این طرف. اگر آمدم گفتیم «[يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ](#)» شامل بول حیوان مأكول اللحم می شود، باز باید ببینیم از نظر استدلالی و استنباطی چه باید بگوئیم.

و صل الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.